

بررسی مسیر هرمز به جنوب شرق ایران بر اساس آثار موجود و منابع مکتوب در قرون میانه اسلامی

دکتر حسن کریمیان^۱

سامان سیدی^۲

مریم صفائی^۳

چکیده

یافته‌های حاصل از بررسی‌های روشمند باستان‌شناختی در سه محوطه جیرفت، چشمه‌شاه و کلاتک بلوک انجام شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش مسیر جیرفت به بندر هرمز از جیرفت، چشمه‌شاه، بلوک و فاریاب که از لحاظ فرهنگی با یکدیگر در ارتباط بودند، عبور می‌کرده و سپس به بندر هرمز میرسیده است. مطالعات انجام‌شده بر روی سفالهای بدست‌آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این محوطه‌ها در دوران میانه اسلامی بخصوص دوران سلجوقی رونق داشته و سپس در دوره‌های بعد از رونق آنها کاسته شده است.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ راه‌های کاروان‌رو؛ جنوب شرق ایران؛ هرمز؛ سده‌های میانه اسلامی

مقدمه

بر پایه بررسی‌های باستان‌شناسی، حوزه فرهنگی-جغرافیایی جیرفت دست‌کم از دوران نوسنگی بستری مناسب برای استقرارهای انسانی بوده و پس از آن، هسته‌های تمدن از آغاز شهرنشینی تا دوران اسلامی در این حوزه شکل گرفته‌اند. یکی از مراکز شهری دوران اسلامی در این حوزه، شهر کهن جیرفت است که به مرکزی راهبردی در مبادلات بازرگانی جنوب کشور بدل شده بود و از طریق هرمز کالاهایی از اقصی نقاط جهان به این شهر آورده شده و سپس به تجاری دیگر در جیرفت فروخته می‌شد. تحقیق پیش‌رو تلاش دارد مسیر جیرفت به هرمز را تا بلوک مورد بررسی و شناسایی

با توجه به اشارات مکرر نویسندگان ادوار مختلف اسلامی به اهمیت و ویژگی‌های برتر شهر جیرفت در گذشته احتمالاً مسیرهای مختلفی در این شهر برای ورود و خروج کاروانیان تجار وجود داشته است. احتمالاً مسیر جیرفت به هرمز یکی از مهمترین مسیرهایی است که از این شهر منشعب می‌شده است. متأسفانه این مسیر با وجود اهمیت، اعتبار و اشتهاری که در طول حیات خویش داشته، کمتر مورد توجه مورخین، محققان و باستان‌شناسان دوران اسلامی قرار گرفته است. جیرفت یکی از مراکز عمده تجاری جنوب شرق ایران بوده است که با سرزمینهای مجاور شرقی و همچنین سرتاسر جنوب و مرکز ایران ارتباط داشته است. این شهر مهم از طریق بارانداز مشهور خود هرمز به خلیج فارس راه پیدا می‌کرد. مسیر کاروان‌رو جیرفت به بندر هرمز از شاهراه‌های اصلی سده‌های میانه اسلامی بوده و گستره پراکندگی عوامل فرهنگی در این مسیر نشان از آبادی، رونق و اهمیت آن در ایالت کرمان دارد. علت اهمیت این مسیر، ارزش فوق‌العاده تجاری آن بوده است؛ زیرا جیرفت را بعنوان یک مرکز شهری مهم و مرتبط با جنوب شرق ایران به بندر مهم بازرگانی آن روزگار متصل می‌کرد. تحقیق پیش‌رو تلاش دارد مسیر ارتباطی جیرفت به هرمز را تا منزل مغون شناسایی کرده و ارزش و اعتبار آن را مشخص نماید. این امر بر اساس رهیافتهای تاریخی از جمله متون تاریخی و جغرافیایی و گزارشهای باستان‌شناسی و نیز

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

samansaidi@ut.ac.ir

۳. پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی؛ ma.safaei60@gmail.com

گروسی، ۱۳۷۴). علاوه بر وی، امیر حاجی‌لو بعد از افول سیراف (قرن پنجم)، هرمز را جایگزین آن میداند و معتقد است این جایگزینی باعث رونق جیرفت و مسیر ارتباطی آن هرمز شده است (امیرحاجیلو، ۱۳۹۳). بیات جیرفت را مرکز توزیع کالاهای صادراتی هندوستان به سایر نقاط ایران میداند (بیات، ۱۳۸۳). در حوزه تاریخی و باستانشناسی این منطقه مطالعات مختلفی صورت گرفته است که هیچکدام اشاره‌ی به این مسیر ندارند؛ از جمله کاوشهایی در شهر اسلامی دقینوس در حاشیه غربی شهر جیرفت، مربوط به دوره سلجوقی از سال ۵۱۳۸۱.ش توسط چوبک انجام گرفت (چوبک، ۱۳۸۳) و در سال ۱۳۸۳ و ۵۱۳۸۴.ش توسط هیئت مشترک ایرانی و آلمانی بررسیهای گسترده‌ی در این حوزه انجام شد که هنوز نتایج آن منتشر نشده است. در این پژوهشی سعی شده ضمن بررسی باستانشناسی و اسناد تاریخی به اهمیت تاریخی و تجاری این مسیر پرداخته شود.

اهمیت جیرفت در سده میانه

با توجه به نقشه شماره ۱ جیرفت در دوره اسلامی یکی از مهمترین و بزرگترین شهرهای ارتباطی میان خلیج فارس و شهرهای شمالی ایران بوده است. علاوه، این محوطه بزرگ اسلامی محل بارانداز کالاهای سند و خراسان و در حقیقت حلقه ارتباطی سند و شهرهای غربی قلمرو فلات ایران را نیز فراهم می‌آورد است که از غرب با سیرجان و شیراز، از شمال شرق با فهرج و بم، از شرق با رودبار، دلگان، پل و بهره (ایران‌شهر امروزی) و بعد سند و از جنوب با بندر هرمز در ارتباط بوده است.



نقشه شماره ۱: نقشه راه‌های جیرفت در دوره اسلامی (منبع: نگارندگان)

قرار دهد. پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که جیرفت از چه مسیری با هرمز ارتباط داشته و امروزه این مسیر در کجا قرار دارد؟ و پرسش دیگر آن است که چرا مسیر جیرفت به هرمز بعد از سده‌های میانی از رونق افتاده است؟ هدف از این پژوهش شناسایی جایگاه ویژه جیرفت و مسیرهای ارتباطی آن در سده‌های میانه اسلامی است. داده‌های پژوهش به روش اسنادی و بررسیهای میدانی گردآوری شده و فرضیات پژوهش، با استناد به یافته‌های بررسیهای میدانی باستانشناسی و رهیافتهای تاریخی در مطالعه منابع مکتوب نقد و بررسی شده‌اند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی است. گردآوری اطلاعات نیز به دو شیوه: مطالعات اسنادی و مطالعات میدانی انجام گرفته است. در مطالعات اسنادی تلاش شده تا کلیه مدارک مکتوب و اسنادی که بنحوی در روشن ساختن اهمیت این راه ارتباطی مؤثر هستند، شناسایی گردد و بدقت مورد تأمل و مطالعه قرار گیرد. در مطالعات میدانی نیز که به شناخت باستانشناسانه این راه مهم ارتباطی مربوط میشود، سعی شده تا با انجام یک بررسی روشمند و جمع‌آوری داده‌های میدانی - بویژه نمونه‌های سفالین - ضمن گاهنگاری نسبی محوطه‌ها، ویژگیهای معماری آن نیز بدقت مورد مطالعه قرار گیرد. مراحل انجام مطالعات میدانی به شرح ذیل بوده است:

۱. جمع‌آوری نمونه‌های سطحی و بویژه نمونه‌های سفالین به روش گردآوری تصادفی شاخصها
۲. ثبت و ضبط نمونه‌ها و مطالعه و مقایسه آنها تا حصول

نتایج علمی

در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از رهیافت تاریخی، تطبیق مطالعات اسنادی و میدانی با یکدیگر و تدوین نظریات میان‌مدت از مدارک مکتوب و بکارگیری آنها در تفسیر داده‌های مادی و میدانی استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

عبدالله گروسی در کتاب *جغرافیای تاریخی بمپور بلوچستان* برخی از این مسیرها را معرفی کرده است (عبدالله

مسیر ارتباطی جیرفت به سند و سیستان

یعقوبی در *البلدان* جیرفت را شهری میدانند که با سند در ارتباط بوده و منازل این مسیر را به این شرح بیان میکند: از جیرفت به رتق و دهقان (دلگان) و سپس به بل و فهرج که آخرین شهر تابع کرمان بوده و بعد از این شهر مسیر به فنزبور میرسد که شهری بزرگتر از مکران بوده است (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۶۲). اما این خردابه این مسیر را بشکل متفاوتتری بیان کرده که از شهر بم میگذشته است: از جیرفت تا بم بیست فرسخ و از آنجا تا رودخانه سلیمان نیز بیست فرسخ، از رودخانه سلیمان تا دهقان چهار فرسخ، از دهقان تا مکران ۳۷ فرسخ و در نهایت از مکران تا سند ۶۲۵ فرسخ بوده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۳).

کاروانهای تجاری که از سند می‌آمدند، پس از عبور از لاهور، منصوره، قصدار و بمپور وارد بم و سپس جیرفت میشدند. همچنین، از سده هفتم به بعد کاروانهایی که از بندر تیس واقع در مکران بسمت کرمان می‌آمدند باعث پیوند بیشتر کرمان با شرق ایران و سیستان میشدند. شهر جیرفت که جزو نواحی گرمسیر کرمان بود، از طریق امجز و جشار به سیستان وصل میشد (خیراندیش، ۱۳۸۲: ۱۴۱). راه تجاری که از جنوب بمپور بسمت بندر تیس میرفت، از شهرهای جنوبی کرمان مانند جیرفت، نرماشیر و بم عبور میکرد. این راه محل عبور کاروانهای خراسان، سیستان و قهستان بسمت این بندر بود (عبدالله گروسی، ۱۳۷۴: ۴۵).

مسیر جیرفت به خراسان

یکی از شاهراهایی که از بغداد به ماوراءالنهر منتهی میشد، با عبور از فارس وارد بردسیر میگشت و از آنجا به خراسان میرفت (خسروی، ۱۳۷۱: ۱۰۹). علاوه بر راههایی که از سه شهر راور، خبیص و بردسیر میگذشت و کرمان را به شهرهای مختلف خراسان متصل میکرد، راه دیگری وجود داشت که از سیرجان به ماهان، خبیص و خراسان میرفت (Lambton, 1980: 151). مردم زیادی از مناطق مختلف در جیرفت تجارتخانه داشتند. این شهر از طریق گردنه دهبکری به بم، شهداد و خراسان متصل میشد (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۸۶: ۸).

مسیر ارتباطی جیرفت به بندر هرمز در متون تاریخی

ابن حوقل، جغرافی‌نویس سده چهارم، در *صورة الارض* نقشه‌یی آورده که به برخی شهرهای مسیر جیرفت به هرمز اشاره کرده است (نقشه شماره ۲). ابن‌الحوقل و اصطخری در ذکر مسافتات شهرهای کرمان، فاصله جیرفت تا میناب را ۶ روز راه (۶ مرحله) ذکر میکنند که بدینصورت میباشد: یک مرحله (منزل) از جیرفت تا قنات شاه، یک مرحله از قنات شاه تا مغون، یک مرحله از مغون تا ولاشگرد، یک مرحله از ولاشگرد تا کومین و از آنجا تا ریگان (زنگان) نیز یک مرحله است (اصطخری، ۱۳۷۴: ۱۴۵). در جیرفت راهی که از بندر هرمز می‌آمد با راهی که از هندوستان و جالق می‌آمد متصل میشد (بارتولد، ۱۳۷۲: ۱۹۹). اهمیت این مسیر بحدی بود که کاروانهایی با سیصد یا چهارصد شتر، براحتی از این راه عبور میکردند و وارد بارانداز جیرفت یعنی «قمادین» میشدند (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۲). ابن ابراهیم در *تاریخ سلجوقیان* در قرن ششم از موضعی بنام قمدین مکرر اسم برده (لسترنج، ۱۳۶۴: ۳۳۶) و همچنین مارکوپولوی ونیزی حوالی سده هفتم هجری که از جیرفت عبور میکرده از کامادای (صورت فرنگی شده قمدین) نام برده است (مارکوپولو، ۱۳۳۴: ۱۴۹). طبق نوشته افضل‌الدین کرمانی، قمدین مکانی است نزدیک دروازه خارج از شهر جیرفت که بازرگانان رومی و هندی در آنجا انبار و مسافر داشته‌اند؛ چه آنان که از دریا می‌آمدند و چه آنها که از خشکی، میتوانستند غذاها و کالاهای خود را در آنجا بگذارند. وی در جای دیگر میگوید: کالاهای پرقیمت از چین، ماوراءالنهر، ختا، هندوستان، خراسان، زنگبار (تانزانیا)، حبشه (اتیوپی)، مصر، یونان، ارمنستان، عراق، آذربایجان و فارس همه برای فروش در انبارهای قمدین موجود بود (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۴۳). مال‌التجاره‌یی که از هند می‌آمد، از جیرفت به سایر ایالات ایران منتقل میشد. این محله مسکن عمده تجارت خارجیان و بنا بگفته حافظ ابرو مجمع بازرگانان بود (حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۱۶). از بندرگاه این ایالت شهر هرمز کالاهای وارداتی هندی تا نقاط مختلف کرمان، سیستان و خراسان بار میشد (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۴۶۳).

به بعد به مرکز عمده دادوستد دریایی، بارگیری و باراندازی کشتیهای تجاری خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند تا جنوب شرقی آسیا و آفریقای شرقی تبدیل گشت و مقام و منزلت پیشین جزایر و بنادر سیراف، کیش، هرمز ساحلی و تیس را در تحولات اقتصادی منطقه بدست آورد (پتروشفسکی، ۱۳۸۵: ۶۳). جزیره هرمز بعنوان بازار تجارت آسیا در اوج رونق خود بود و در آن به خرید و فروش کالاهایی مانند مروارید، ابریشم، فرش و... میپرداختند.



نقشه شماره ۲: نقشه مسیرهای جیرفت به سیرجان و هرمز بر اساس کتاب صورة الارض (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۷۲) (بازسازی شده توسط نگارندگان)

شواهد باستانشناسی مسیر جیرفت به هرمز (الف) محوطه باستانی جیرفت قدیم

بر پایه کاوشهای باستان‌شناختی، مرکز کوره جیرفت در دوران اسلامی، محوطه موسوم به «شهر دقیانوس» و یا «کلنگی» است. این محوطه تا کنون تعیین حریم نشده، اما مساحت آن بر اساس پراکنش سطحی در حدود ۱۲۰۰ هکتار است.

یافته‌های باستانشناسی: تمام سطح محوطه شهر قدیم امروزه از آجر، سنگهای رودخانه‌یی، سفال، جوش کوره، سرباره و غیره پوشیده شده است. بدلیل اینکه بررسیهای سطحی روشمند بمنظور مشخص نمودن وسعت شهر در دوره‌های مختلف در آن صورت نگرفته، درباره ساختار شهری و فضایی آن در حال حاضر چیز زیادی نمیتوان گفت، اما چوبک با توجه به بررسیهای پراکنده‌یی که صورت داده، اظهار می‌دارد شهر دارای محله‌های متعددی بوده است (چوبک، ۱۳۸۳: ۲۲۶) (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: تصویر هوایی از ترانسه‌های حفاری شده در سطح محوطه شهر قدیم جیرفت (موسوی حاجی و شهسواری، ۱۳۹۲: ۷۳)

رونق و افول هرمز کهنه

در بین سواحل دریای ایران تنها هرمز در تاریخ از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است؛ هرچند که بندرگاه‌ها و خلیججهایی در سواحل سمت شرقی بندر هرمز دیده میشود (اصطخری، ۱۳۷۴: ۱۶۷ و ۱۷۰). بگفته لسترنج هرمز شهری نیکو بود و بازارهایی آباد داشت که بازار کالاهای هند و سند محسوب میشدند و دارای مسجد جامعی بود. هرمز کهنه در قرن چهارم هم بندر کرمان و هم بندر سیستان بود (همان: ۳۳۷). مهاجرت محمد درم‌کو به هرمز و پایه‌گذاری حکومت ملوک هرمز در نیمه قرن پنجم هجری و همینطور افول تجارت سیراف، صحار و جدّه که سه نقطه حساس تجاری بودند، منجر به تجدید قدرت اقتصادی هرمز شد (وثوقی، ۱۳۸۰: ۵۳ و ۸۰). همچنین درگیری میان حکام فارس، کرمان و شبانکاره بر سر تصرف جاده‌های منتهی به سیراف شرایط افول آن را تشدید کرد که باعث شد هرمز بتدریج نقش جایگزینی خود را بعنوان ساحل بارانداز کرمان ایفا کند (همان: ۸۶ و ۸۹). هرمز ساحلی یا کهنه تا پیش از انتقال مرکز حکومتی ملوک هرمز به جزیره جرون، شهری آباد و پررونق بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۴۸). بعدها که هرمز نو در جزیره احداث شد، هرمز کهنه جای قیس را گرفت و مهمترین بندر تجاری خلیج فارس گشت (لسترنج، ۱۳۶۴: ۳۳۶). با انتقال حکومت به جزیره جرون یا هرمز نو، بتدریج هرمز ساحلی اهمیت و رونق تجاری خود را از دست داد. حملات پراکنده اقوام مرکزگرای مغول جغتایی به سرحدات جنوبی ایران نیز این روند نزولی را تشدید نمود (شبانکاره‌یی، ۱۳۷۶: ۱۴۱)؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۱۴۱). جزیره جرون یا هرمز نو از سال هفتصد هجری

برای نمونه، طرحهای سفالینه‌های قالبی بی‌لعب در سفالینه‌های لعاب یکرنگ نیز بکاررفته است و یا نقشمایه‌های سفالینه‌های سده‌های نخستین مانند نقشمایه‌های شبه خط کوفی با ترکیب خط نوشته چینی در چندگونه سفال کاربرد داشته است (جدول شماره ۱).

۲. سفالینه‌های بدون لعاب

در آمارسنجی سفالینه‌ها، این گونه سفالینه‌ها بیشترین آمار دارد که بیشتر برای ظروف کاربردی معمولی ساخته می‌شد.

این گونه سفالینه‌ها مشابه یافته‌های محوطه‌های شناخت شده چون شوش و نیشابور است (جدول شماره ۱).

مجموعه سفالهای محوطه جیرفت قدیم

سفالها بیشترین و مهمترین مجموعه یافته‌های بررسی و کاوشهای شهر جیرفت در محوطه باستانی شهر دقینانوس است که مدارک دست اول برای تاریخگذاری و گاهنگاری محوطه و نیز داده بسیار مهمی برای تحلیل وضعیت ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌باشد. این مجموعه گسترده‌ی تاریخی از سده‌های نخست اسلامی تا دوره سلجوقی سده چهارم تا هفتم هجری است که به دو گرو اصلی طبقه‌بندی می‌شود.

۱. سفالینه‌های لعاب‌دار

سفالهای لعاب‌دار جیرفت در بسیاری از شکلها، نقوش و روشها با سفالهای بدون لعاب همانند و مشترک می‌باشند؛

جدول شماره ۱: معرفی سفالینه‌های جیرفت قدیم (چوبک، ۱۳۸۳: ۸۷)

سفالینه‌های بی‌لعب جیرفت			
I	گونه نخودی - نخودی سبز	II	گونه نارنجی - صورتی - قرمز
III	گونه قهوه‌ای روشن - تیره	IV	گونه خاکستری روشن - تیره
V	گونه با نقش کنده خطی - شیاری	VI	گونه با نقش تراشیده و بریده
VII	گونه با نقش مهر زده قالبی	VIII	گونه با ساخت و نقش قالبی
IX	گونه با نقش افزوده	X	گونه با تزئین لعاب
XI	گونه با پوشش گلی رنگین	XII	گونه منقوش
سفالینه‌های لعاب‌دار جیرفت			
XIII	گونه لعاب یک رنگ فیروزه‌ای	XIV	گونه لعاب یک رنگ سبز
XV	گونه لعاب قرمز - قهوه‌ای	XVI	گونه لعاب یکرنگ زرد - نارنجی (عسلی قام)
XVII	گونه لعاب یکرنگ با مجانی - بنفش	XVIII	گونه لعاب یکرنگ لاجوردی
XIX	گونه لعاب یکرنگ سفید	XX	گونه منقوش لاجوردی و سبز با لعاب مات قلعی
XXI	گونه منقوش زرد با لعاب سربی شفاف	XXII	گونه منقوش قهوه‌ای و سیاه و زیر لعاب سربی
XXIII	گونه نقاشی لعابی روی پوشش گلی رنگین slip painted	XXIV	گونه منقوش کنده لعاب بری champleve
XXV	گونه نقش کنده در گلابه اسگرافیاتو Sgraffiato	XXVI	گونه لعاب پاشیده Splashed
XXVII	گونه زیرین قام دوره اولیه	XXVIII	گونه زیرین قام دوره میانه
XXIX	گونه منقوش زیر لعاب شفاف قلیائی	XXX	گونه سفید و آبی دوره میانه
XXXI	گونه سفالینه و چینی‌های وارداتی ساخت چین: کائولن سفید - سلاکون سبز - سفال لعاب زیتونی و قهوه‌ای		

ب) محوطه باستانی کاریز شاه

یکی از شهرها یا شهرکهای ولایت یا کوره جیرفت که تقریباً در تمامی متون از آن یاد شده، کاریز شاه یا قنات شاه است. باقیمانده‌های این کوره امروزه در فاصله حدود سصد

در این میان برخی از سفالهای جیرفت با نمونه‌های شبیه به خودشان که از محوطه‌های هم‌دوره در مسیر جیرفت به هرمز قرار دارند، مورد مقایسه قرار گرفتند.

آن در حدود سیزده هکتار برآورد میشود. مهمترین بخش این محوطه فضای چهارگوشی است که از چهار خاکریزمانند تشکیل شده است. این خاکریزها که در فواصل نسبتاً منظمی برآمدگیهایی بر سطح آنها مشاهده میشود، یک فضای باز را احاطه کرده‌اند که در آن هیچ اثر و ساخت و سازی بچشم نمیخورد. با توجه به شکل منظم، جنس خاک این خاکریزها، مواد فرهنگی پراکنده بر سطح آنها، چاله‌های حفاری غیرمجاز در آنها، خاکریزمانندهای یادشده آثاری مصنوعی و غیرطبیعی هستند. شکل منظم و ابعاد نسبتاً بزرگ این اثر حکایت از وجود یک سازه عظیم چهارگوش تقریباً مربع شکلی دارند که بشدت تخریب شده و بقایای آن بصورت خاکریزهایی بر جای مانده است. این اثر نزد اهالی محل به کلاتک بمعنی قلعه (کلات) مشهور است. در این گزارش فقط با تکیه بر همین روایت، از این سازه با عنوان قلعه یا دژ نام برده شده است. ابعاد این اثر (قلعه) که گوشه‌های آن دقیقاً در راستای چهار جهت اصلی قرار گرفته‌اند، تقریباً ۹۴ در ۹۴ متر میباشد. همانگونه که گفته شد بر روی هر خاکریز یا دیوار، برآمدگیهایی دیده میشود که احتمالاً بقایای برجهای ساخته شده در فواصل نسبتاً منظم بر روی این دیوارها هستند. با این توضیح بر روی ضلع جنوب شرقی، جنوب غربی، شمال غربی و شمال شرقی به ترتیب دو (یا سه)، سه، دو و دو برج وجود داشته است. به این برجهای باید برجهای ساخته شده در چهار گوشه بنا را افزود. در نتیجه بر روی هم آثار سیزده (یا چهارده) برج بر روی باروی این قلعه قابل تشخیص است. درباره این برجهای، ابعاد آنها، شکلشان، مصالح بکاررفته در ساختشان، در حال حاضر چیز بیشتری نمیتوان گفت. فضای ایجادشده میان چهار دیوار یا بارو، مسطح است و هیچ اثری مشاهده نمیشود، اما در گوشه جنوبی قلعه، شواهد فراوانی از سازه‌های آجری بچشم میخورد. ابعاد این آجرها حدوداً ۲۰×۲۰×۵ سانتیمتر است.

بنظر میرسد که در چهار طرف این فضا، خندقهایی کنده شده است. آثار این خندقها بصورت جویهای نسبتاً عمیقی در امتداد و تقریباً چسبیده به اضلاع قلعه دیده میشود (تصویر شماره ۳). تقریباً در میانه دیوار جنوب شرقی و بیرون از قلعه یک برآمدگی کوچک واقع است که بنظر بخشی از قلعه بوده، اما درباره چیستی و چگونگی آن چیزی نمیتوان گفت.

متری شمال شرق خانه‌های روستای چشمه شاه قرار دارند که ۳۵ کیلومتر با شهر قدیم جیرفت فاصله دارد. محوطه را از دو طرف شرق و شمال زمینهای کشاورزی و از سمت جنوب بعد از پستی بلندیهایی نخلستانهای روستا احاطه کرده‌اند. ابعاد کنونی محوطه حدوداً ۱۱۰×۸۰ متر با جهت شمالی - جنوبی است. تشخیص امتداد محوطه به اطراف بسیار دشوار است، اما بنظر نمیرسد سمت جنوب ادامه یافته باشد. احتمالاً این محوطه بسمت شمال و شرق، بویژه شمال، گسترش داشته که بدلیل تجاوز زمینهای کشاورزی، از طریق آثار سطحی، امکان تشخیص این امر وجود ندارد (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: تصویر از دید شرقی محوطه چشمه شاه (منبع: نگارندگان)

داده‌های فرهنگی

بدلیل فعالیتهای انسانی، بویژه ایجاد قبرستان، سطح محوطه بشدت متأثر شده است؛ بگونه‌ای که مواد فرهنگی بسیار اندکی بر سطح آن مشاهده میشود. تنها یافته‌هایی باستانشناسی عبارتند از: (۱) سفالهای اسلامی بدون لعاب شامل سفالهاب بدون لعاب ساده، سفال بدون لعاب قالبی و سفال با نقش فشاری و نقش افزوده. (۲) سفالهای اسلامی لعابدار که شامل سفال لعابدار تک رنگ آجری، لاجوردی، سبز و سفید هستند (جدول شماره ۲).

ج) کلاتک بلوک

این محوطه در سمت شمال شرقی شهر بلوک قرار گرفته و تقریباً در حریم این شهر واقع شده است. فاصله این محوطه با چشمه شاه ۳۵ کیلومتر و تا میدان خروجی شهر بطرف فاریاب، در حدود ۵۵۰ متر است. این محوطه مساحت زیادی دارد، اما بدلیل تجاوز زمینهای کشاورزی به عرصه محوطه امکان برآورد دقیق ابعاد از طریق مواد سطحی امکانپذیر نیست. اما مساحت قسمت باقیمانده و کمتر دست خورده

جدول شماره ۲: مقایسه سفالهای بدست آمده از محوطه‌های بررسی شده در مسیر جیرفت به هرمز (منبع: نگارندگان)

نام محوطه نام سفال	جیرفت	چشمه شاه	کلاتک بلوک	وجه شباهت		تاریخ
				نقش	لعاب	
اسگرافیاتو				*		سده میانه
لعابدار تکرنگ فیروزه‌یی					*	سده میانه
منقوش بادمجانی				*	*	سلجوقی
منقوش زرد				*	*	
منقوش سیاه				*	*	سلجوقی
منقوش قهوه‌یی						سلجوقی

تحلیل

مسیر جیرفت به هرمز با استناد به مدارک باستانشناسی بویژه سفالهای بدست آمده از بررسی محوطه‌های باستانی این مسیر از اوایل اسلام شروع میشود و در دوره‌های میانه به اوج خود میرسد و در سده‌های متأخر از اهمیت استقرار در این مسیر کاسته میشود. درباره این مسیر علاوه بر اطلاعات بدست آمده از متون تاریخی، بررسیهای باستان‌شناختی نیز منجر به شناسایی سه محوطه در این مسیر شد که این محوطه‌ها هم‌دوره با شهر قدیم جیرفت هستند.

اولین منزلی که پس از جیرفت در متون از آن نام برده‌اند کاریز شاه است که یک منزل با جیرفت فاصله داشته است. با انجام بررسیهای باستانشناسی روستایی به نام چشمه شاه پیدا شد که از لحاظ معنایی با کاریزشاهی که در متون تاریخی نام برده شده مشابهت دارد.

دومین منزلی که در متون از آن نام برده شده مغون است. این محل در یک منزلی شمال ولاشگرد قرار دارد و یک منزل با چشمه شاه فاصله دارد. با توجه به فاصله چشمه شاه تا جیرفت این احتمال داده شده که هر منزل ۳۵ کیلومتر

در محوطه کلاتک بلوک گونه‌های سفالی متعلق به سده‌های نخستین تا متأخر بدست آمده است؛ هرچند بیشتر سفالهایی که در سطح محوطه پراکنده‌اند مربوط به سده‌های میانه هستند. در مجموع گونه‌های سفالینه سده‌های میانه از زیبایی خاصی برخوردارند و از ویژگی آنها تأثیر بسیار شدید سلیقه چینی‌مآبی در تزیینات این سفالینه‌هاست. سفال غالب این محوطه نمونه قالبی با نقشهای مختلف است که از لحاظ گونه‌شناختی با مناطقی چون سیرجان، ری، بلوچستان، نیشابور و جرجان مرتبط است.

در محوطه چشمه شاه، فقط سفالهای سده نخستین تا سده میانه (دوره سلجوقی) بدست آمده است، پس میتوان گفت این محوطه در دوره‌های بعد رونق چندانی نداشته است. اما محوطه جیرفت از سده‌های نخستین تا دوره‌های متأخر نیز وجود داشته است؛ هرچند با توجه به منابع احتمالاً در سده‌های متأخر از رونق آن کاسته شده است. آنچه از همنگاری و مقایسه سفالینه‌های محوطه جیرفت میتوان نتیجه گرفت، آن است که تقریباً همه گونه‌های شناخته شده در نیشابور در جیرفت رواج داشته است.

در مطالعات گونه‌شناسی انجام شده بیشتر سفالها از نوع لعابدار همراه با طرح و نقشه‌های متنوع است و نشان میدهد که جوامع روستایی ساده هرگونه تجملات هستند. این نمونه سفالها حکایت از وجود جامعه مترقی یا رو به پیشرفت دارد.

با توجه به کیفیت نقوش گونه‌های همچون سفالینه‌هایی آبی-سفید، زرین‌فام، فیروزه قلم مشکی، کتیبه‌یی، منقوش و... میتوان دریافت که در مجموع سفالینه‌های اسلامی این حوزه از نظر کیفیت نقوش تزیینی بخصوص تزیین با رنگ، نسبت به مراکز عمده سفالگری در ایران و دیگر کشورهای اسلامی در سطح خوبی قرار دارند.

نتیجه‌گیری

جیرفت در دوره اسلامی با توجه به متون و شواهد تاریخی دارای پنج راه ارتباطی بوده که مراحل و مسافت آنها ذکر گردید. این مسیرها نشان می‌دهند جیرفت در گذشته بعنوان یک مرکز تجاری مطرح بوده که از چهار جهت راه‌های ورودی و خروجی داشته و با نقاط مختلف کشور مرتبط بوده است. با توجه به اینکه جیرفت از طریق بندر هرمز به جاده ابریشم دریایی و از مسیری که از پل و پهره می‌گذشته به جاده ابریشم زمینی متصل می‌شده است، میتوان گفت این شهر در مسیر جاده ابریشم بوده است. مطالعه و بررسی مسیر جیرفت به بندر هرمز نشان می‌دهد این مسیر در دوره میانی اسلام از رونق بالایی برخوردار بوده و از منازل جیرفت، چشمه شاه، حسن آباد دهدار، مغون، ولاشگرد و کومین می‌گذشته است. با انجام مطالعات گوناگون مشخص شد که برخی از این منازل امروزه تغییر نام داده‌اند؛ چنانکه از کاریز شاه قدیم امروزه با نام چشمه شاه یاد میکنند که در واقع از لحاظ معنایی همان کاریز شاه است و یا مغون قدیم امروزه بلوک نام دارد و گلاشگرد امروزه فاریاب نام دارد. با انتقال حکومت هرمز کهنه به جزیره جرون بتدریج از رونق جیرفت و مسیرهای مرتبط با آن کاسته شد؛ چنانکه که دیگر نامی پر آوازه همچون گذشته در متون تاریخی از جیرفت باقی نمانده است.

منابع فارسی

- ابن حوقل؛ صورة الارض (۵۳۶ه.ق)، ترجمه و توضیح جعفر شعار، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۴۵.
- ابن خردادبه؛ مسالك الممالک (سده سوم هجری)، ترجمه سعید خاکوند، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۷۱.
- اصطخری، ابوالقاسم ابراهیم؛ مسالك الممالک (سده پنجم هجری) بکوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۴.
- افضل‌الدین کرمانی، احمد بن حامد؛ عقدا لعلی للموقف الاعلی، تصحیح علی محمد عابری نائینی، تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۵۶.
- _____؛ سلجوقیان و غز در کرمان، تحریر محمد ابراهیم خبیصی، مقدمه، تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۶.
- امیرحاجیلو، سعید؛ «تبیین نقش متغیرهای بوم‌شناسی در حیات شهر اسلامی جیرفت»، مجله پژوهش‌های باستانشناسی ایران، شماره هفتم، دوره چهارم، ۱۳۹۳.
- انوری، امیر هوشنگ؛ وصف ایران و مناطق آن در برخی از نقشه‌های دوره اسلامی، تهران: انتشارات بنیاد ایرانشناسی، ۱۳۹۰.
- بارتولد، ویلیامیمیر؛ تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه

- سردادور، تهران: انتشارات توس، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- بیات، عزیزالله؛ باستانی پاریزی، محمد ابراهیم؛ کلیات جغرافیایی زبیدی و تاریخ ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- بیانی، شیرین؛ «دنیای مغول در تاریخ»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال هفتم، ۱۳۸۳.
- پتروشفسکی، ای. پ؛ تاریخ ایران، ترجمه سیروس ایزدی، حسین تحویلی، تهران: بی‌نا، جلد دوم، ۱۳۸۵.
- چوبک، حمیده؛ «تسلسل فرهنگی جازموریان، شهر قدیم جیرفت در دوره اسلامی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران: ۱۳۸۳.
- حافظ ابرو؛ جغرافیای حافظ ابرو، مقدمه، تصحیح و تحقیق صادق سوادی، تهران: انتشارات دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۴۹.
- خسروی، خسرو؛ «چند شهر گمشده ساسانی- اسلامی در کرمان» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، شماره دوم، بهار ۱۳۷۱.
- خیراندیش، عبدالرسول؛ «اهمیت باستانشناسی شرق ایران»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۶ و ۶۷، ۱۳۸۲.
- شبانکاره‌یی، محمد بن علی؛ مجمع الانساب، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- عبدالله گروسی، عباس؛ جغرافیای تاریخی ناحیه بمپور بلوچستان (پل و پهره)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۴.
- کریمی، فاطمه؛ محمدیوسف، کیانی؛ هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز باستانشناسی ایران، ۱۳۶۴.
- لسترنج، گای؛ جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگ، ۱۳۶۴.
- مارکوپولو، ایل مینیونه؛ سفرنامه مارکوپولو، ترجمه محمد لوی عباسی، تهران: انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۳۴.
- مستوفی قزوینی، حمدالله؛ «نزهة القلوب»، مقاله سوم، باهتمام گی لسترنج، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- مقدسی، ابوعبدالله؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (سده چهارم هجری)، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.
- موسوی حاجی، رسول؛ شهبواری، میثم؛ «شهر قدیم جیرفت: توضیحی برای روند و چرایی متروک شدن آن با نگاهی به شهر جدید جیرفت»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ، شماره یازدهم، ۱۳۹۲.
- وثوقی، محمدباقر؛ تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس: ملوک هرمز، شیراز: دانشنامه فارس، ۱۳۸۰.
- یعقوبی، ابن واضح؛ البلدان (سده سوم هجری)، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲.

منبع انگلیسی

- lambton T.A.k.s., "kerman", *Encycloaedia of Islam*, Prepared by A Number of leading Orientalists, Edited by c.e Bosworth, E.Van. Dinzel, B.Lewis and C H Pellat, Under The Patronage of the International Union Ofacademies, Volume V, Leiden, pp. 174-166, 1980.